

در این نامه شماری از برابره‌های فارسی واژگان عربی در دسترس شماست که بیش از 80 درصد آن‌ها را شنیده‌اید و با اینکه می‌توانید آرش (معنی) آن‌ها را در ذهن خود بیابید؛ بک دسته‌ی 30 واژه‌ای و 19 دسته‌ی 90 واژه‌ای که روی هم رفته نزدیک به 1700 واژه می‌شود. به امید آن‌که در آینده شماری دیگر از برابره‌های کاربردی تر واژگان بیگانه را پیشکش‌تان کنیم.

تارنما : www.farsi-sare.blogfa.com
 رایانامه (E-mail) : farsisare@gmail.com

دسته‌ی نخست

پارسی	تازی	پارسی	تازی	پارسی	تازی
وآدار کردن (شدن)	مجبور کردن (شدن)	آروین	تجربه	دروود	سلام
وآدار	مجبور	بها، نرخ	قیمت	سال خورشیدی	سال شمسی
به تازگی	جدیداً، اخیراً	آری	بلی	راه	طریق
کام، خواست، خواسته	مقصود	هماورد	حریف، رقیب	روز	یوم
هرآینه، به هر روی	در هر صورت	زخمه	ضربه	دلیر	معشوق
جهان	دنیا	خاموش	ساکت	شبگیر	صبح زود
تندی	سرعت	فرمایش	امر	جانور	حیوان
سرانجام	بالاخره	رونوشت	کپی (اروپایی)	شوخی	مزاح
بی گمان	بدون شک	دادستان	قانون	شرم، آزر	حیا
بازشناختن	تشخیص دادن	کار کشته	باتجربه	خامه	قلم، مداد

دسته‌ی دوم

پارسی	تازی	پارسی	تازی	پارسی	تازی
پهنا	عرض	پاری‌رسانی	امداد	نخست	اول
درازا	طول	پاری	مدد	نخستین	اولین
دراز	طویل	پاری‌رسان	امدادگر	نخست	ابتدا
بلندی	ارتفاع	رهسپار	عازم	آغاز	شروع
پهن	عریض	روبرو	مقابل	جامه	لباس
گود	عمیق	برابر	مساوی	پیروزی	فتح یا ظفر
بیمار	مریض	پند یا اندرز	نصیحت	سرپرست	رئیس یا مسئول
بیماری	مریضی یا مرض	انجمن	مجلس	بازگشت	مراجعت
بیمارستان	مریض‌خانه	خرد	عقل	دلیر	شجاع
زخمی	مجروح	چشم‌انداز	منظره	مزه	طعم
زخم	جرح	زندان	حبس	سرانجام	عاقبت
آسیب	صدمه	زندانی	محبوس	سخنران	خطیب
آسیب دیده	صدمه دیده	کامیابی	موفقیت	سازش، آشتی	صلح
آسیب دیده	مصدموم	کامیاب	موفق	نما	ظاهر
فرزندان	اولاد	سترگ	عظیم	دیدن	مشاهده
داد	عدل	دوست	رفیق	تو یا درون	داخل
دادگستر، دادگر	عادل	واژه	کلمه	نابود	منهدم
ستم، بیداد	ظلم	واژه‌ها	کلمات	نابودی	انهدام
ستمگر، بیدادگر	ظالم	گزینش	انتخاب	آگاهی	اطلاع
ترف (Tarf)	قره قروت (ترکی)	پایداری	استقامت	آماده	حاضر
جنبش	تحرك	یادآوری	تذکر	کناره یا کنار	ساحل
رهایبی	خلاصی	نزدیک	قریب	ناآشنا	غریب
رها	خلاص	میان	بین	ناآشنایی	غریبی
برادر	اخوی	نماز	صلوة	شست و شو	غسل
پیمان‌نامه	قرارداد	پیمان	قرار	پیمان	عهد
نیرو، توان	قدرت	نیرومند	قدرتمند	جشن	عید
فرستادن	ارسال کردن	فرستاده	رسول	جشن‌ها	اعیاد
گریز	فرار	پاسخ	جواب	پرسش	سئوال
روزانه	یومیه	دزد	سارق	دزدی	سرقت
سودمند	مفید	پذیرفتنی	قابل قبول	بی کران	بی نهایت

دسته‌ی سوم

پارسی	تازی	پارسی	تازی	پارسی	تازی
اکنون	الآن	نشانه	علامت	نام	اسم
اکنون	حالا	نشانه‌ها	علائم	تهران	طهران
بی گمان	بدون شک	نشانه‌های راهنمایی و	علائم راهنمایی و	اتاق	اطاق

	بی شک، حتماً	رانندگی	رانندگی		
پرداز	دفاع	ترابری	حمل و نقل	تراز(همانند ترازو)	طراز
فاحشه	معادل	تهیدستی، نداری	فقر	روسی	سعی
سعی	مساوی	تهیدست	فقیر	تلاش، کوشش	اتحاد
همگی	تمامی	داوری	قضاوت	همبستگی	عمران
خشمگین	عصبانی	زبان گفتاری	زبان محاوره ای	آبادانی	قبرستان
گواهی	شهادت	شهباز	عقاب	گورستان	قبر
گواهی داد که...	شهادت داد که...	روزی	رزق	گور	مقبره
آزار	اذیت	بهرام	مریخ	آرامگاه	مرحوم
بیهوده	بی فایده	پوزش	عذرخواهی	شادروان	مرحومه
هوده	فایده	پوزش می خواهم یا بیخشید	عذر می خواهم	شادروان	استعمال
برآورد	تخمین	خواهش	تمنا	کاربرد	دلیل
ارجمند	محترم	خواهش می کنم	تمنا می کنم	انگیزه	دلایل
ارج	احترام	خواهش می کنم	استدعا می کنم	انگیزه ها	مشابه
شدنی	ممکن	شادباش، شاباش	تبریک	همانند	درک کردن
یکتا	واحد	ویژه	خاص	پی بردن	مثال
خدای یکتا	خدای واحد	وارونه	معکوس	نمونه	برای مثال
مرز، کران	حد	شکوه	شوکت	برای نمونه	اخطار
مرزی ندارد از...	حدی ندارد از...	خرده	اشکال	هشدار	ایمان
دشوار	مشکل	به گمان بسیار	به احتمال زیاد	باور	بلافاصله
کار دشواری است	کار مشکلی است	نام نویسی	ثبت نام	بی درنگ	زیاد
کار، پیشه	شغل	نام نویسی کردم	ثبت نام کردم	بسیار	خراب
نشست	جلسه	آشغال	زیاله	ویران	خرابه
نشست کارمندان	جلسه کارمندان	پارسی	فارسی	ویرانه	جسد
بزهکار	مجرم	سنجش	مقایسه	پیکر	حدس
بزه	جرم	می سنجم	مقایسه می کنم	گمان	حدس می زنم
نفرین	لعنت	چکیده	خلاصه	گمان می کنم	مقاومت
نفرین کردن	لعنت کردن	کیش، آیین	مذهب، دین	پایداری	

دسته ی چهارم

پارسی	تازی	پارسی	تازی	پارسی	تازی
دانسته ها	معلومات	آرام بخش	مسکن (دارو)	گنجایش	ظرفیت
راهکار	تدبیر	خجسته باد	مبارک باد	برخی	بعضی
اخترشناسی	نجوم	پیشکار	خادم	هر از چند گاهی	بعضی اوقات
اخترشناس	منجم	زادروز	میلاد	گاهی	بعضی وقتها
تیره	قوم	دلیری	شجاعت	پیمان شکنی	خلف وعده
بی پروا	بی توجه	دلیر	شجاع	جنگ افزار	اسلحه
پروا	توجه	برابری	مساوات	کمیاب	نادر
خو	عادت	برابر	مساوی	زهر	سم
خو گرفتم	عادت کردم	نزدیک 50 تا	تقریباً 50 عدد	زهری، زهرآگین	سمی
گمان کردم، پنداشتم	خیال کردم	ویژگی	خاصیت	بی پروا	بی احتیاط
ورجاوند(varjavand)	مقدس	ویژه	خاص	پروا	احتیاط
بنیاد	اساس	سوگواری	عزاداری	بنیاد، نهاد، سازمان	موسسه
بینش	بصیرت	دروغ	کذب	کوچ	مهاجرت
تازه	خبر	دروغ ها	اکاذیب	برگرفته از...	اقتباس از...
تازه ها	اخبار	گرمايه	حمام	شورش، خیزش	قیام
چشم داشت	انتظار	زندگی	حیات	گوناگون	مختلف
چشم داشتن	انتظار داشتن	دور	بعید	بخش دوم	قسمت دوم
ریزین	دقیق	زرگر	طلافروش	کهنه	قدیمی
آموزه	درس	زر	طلا	تازه چاپ	جدیدالانتشار
آموزه نخست	درس اول	زرین	طلایی	نوساز، تازه ساز	جدیدالتاسیس
انبوه	متعدد	کار و بار	مشغله	پوشاک	البسه

نوآوری	اختراع	پیشه	حرفه	برزن	محلہ
خودداری، پرهیز	امتناع	دیوانه، شیدا	مجنون	ناپ، سره (sare)	خالص
خودداری کردن	امتناع کردن	شیفته	مجنوب	سرشت آدمی	طبیعت انسان
درستکار	صالح	گمان	ظن	سرشت کار	ماهیت کار
درست	صحیح	به گمان من	به ظن من	پیش نیاز	پیش شرط
بازتاب	انعکاس	بدگمانی	سوء ظن	افزون بر این	علاوه بر این
زایمان	وضع حمل	کنش	عمل	یکدنده، ستیزه جو	لجباز
درخشان	نورانی	واکنش	عکس العمل	یکدندگی	لجبازی
از میان بردن	از بین بردن	داده ها	اطلاعات	پیوسته	مستمر

دسته ی پنجم

پارسی	تازی	پارسی	تازی	پارسی	تازی
خوشنودی	رضایت	بیشتری	اکثریت	نیایش	دعا
زیرکی، هوشیاری	کیاست	کمتری	اقلیت	نیایش می کنم	دعا می کنم
خوشبو	معطر	بیشینه	حداکثر	هراس، ترس، بیم	وحشت
نم	رطوبت	کمینه	حداقل	بس است	کافی است
نم دارد	رطوبت دارد	برگردان	ترجمه	بسندۀ، بسندگی	کفایت
راستی، راستگویی	صداقت	می پذیرم	قبول می کنم	بسندۀ می کند	کفایت می کند
آبستن	حامله	سخنرانی	نطق	بها	قیمت
دچار	مبتلا	سخنران	ناطق	کارگماری	اشتغال
دچار بیماری	مبتلا به مرضی	زیان	خسارت	کاربرد	استفاده
کالا	جنس	سرنوشت	تقدیر یا قسمت	گویش	لهجه
کالاها	اجناس	گذاشتن	فرار دادن یا نصب کردن	اندک	محدود
سالنامه	تقویم	چپیستان	معما	شمار اندکی	تعداد محدودی
نکوهدین	مذمت کردن	چَم، آرَش (areh)	معنی	گناهکار	مقصر
دست نماز	وضو	گام دوم	مرحله دوم	تندیس	مجسمه
پیگیری	تعقیب	گام دوم	قدم دوم	پیرامون	محیط
همگی	تمامی	سخن	کلام	درباره	در مورد
همه کارها	تمام امور	سخن خدا	کلام خدا	باره	مورد
نادانی	جهل	دل بستگی	علاقه	پویا	فعال
نادان	جاهل	دل بستگی دارم	علاقه دارم	دیدگاه، نگرش	نقطه نظر
هموار	صاف	واج	حرف (الفبا)	خاور	مشرق
هموار	صاف و هموار	واج "سین"	حرف "سین"	باختر	مغرب
بی درمان، سخت درمان	صعب العلاج	گماشتن، گم کردن	منسوب کردن	روش	نحوه
درمان	علاج	مزدور	اجیر	روش کار	نحوه کار
واپسین	آخرین	پربشانی	اضطراب	نماد	مظهر، سمبول
دودمان	نسل	پربشانم	مضطربم	فرسایش	استهلاک
دودمان اشکانی	سلسله اشکانی	همسایگی	جوار	شرمساری	خجالت
برآشفتن	عصبانی شدن	سروده یا چامه(غزل)	شعر	شرمسار	خجول
چالش	بحران	سراینده، چامه سرا	شاعر	شرم دارم	خجالت می کشم
هم چم، هم آرَش	هم معنی	پر شمار	پر تعداد	شمار	تعداد
پسین (امروزه در کرمان، فارس و یزد این گونه می گویند)	عصر	زنده باشید پاینده باشید	در پاسخ به خسته نباشید به جای "سلامت باشید"	درد، نیک روز(در دوره ساسانی بیشتر به کار می رفته است)	سلام

دسته ی ششم

پارسی	رایانه ای (انگلیسی)	پارسی	تازی	پارسی	تازی
رایانامه	mail.E	پیوند گاه	محل تلاقی	پیامدها	عواقب
نامه دان	Mailbox	پیرامون	محیط	میهمانان	مدعوین
ویرایش	Edit	رزم	مخاصمه	آیین نامه	مقررات
تارنما	Website	پیرو	مرید	فروپاشی	زوال
بایگانی	Archive	کشتزار	مزرعه	گرمایشی	حرارتی
گپ	Chat	خیزآب	مد (در دریا)	سرماپشی	برودتی
گپسرا	Chat room	شیشه (شیشه پيله)	حیله، مکر	دبیره	رسم الخط، font
پوشه	Folder	چراگاه	مرتع	رستاخیز	قیامت، آخرت
گذروازه	Password	چراگاه ها	مراتع	خودپرداز	عابر بانک
پیکربندی	Configuration	بلند	مرتفع	رایزنی	مشورت
پیوند، دنبالک	Link	گرانگاه	مرکز ثقل	رایزن	مشاور
تراشه	Chip	آمیختن درآمیختن	مخلوط کردن	هنگامی که در باز شد ...	وقتی که در باز شد...
سخت افزار	Hardware	آمیخته	مخلوط	لیچار	مزخرف
نرم افزار	Software	کار کرده	مستعمل	بخشودگی	معافیت
موشواره	Mouse	بهره مند	مستفیض	گفتگو	مذاکره
چند رسانه ای	Multimedia	ستیز	منارعه	هنگام	موقع
پارسی	تازی	گفتمان	مناظره	دردگر	نچار
فرمان نامه	امریه	مهار گسیخته	غیر قابل کنترل	گماشتن، گمایش	انتصاب
جدایی	انفصال	کاهش	تقلیل	به دستور	حسب الامر
پرکار	فعال	کاستن	تقلیل دادن	گلو	حلق
چشمگیر	قابل توجه	فرسوده	مستهلك	کارشناس	خبیره
پیری	کهنوت	کار آزموده	مجرب	به ویژه	علی الخصوص
راهبند	مانع	دبرکرد	تاخیر	کمان	قوس
بینش	طرز تفکر	بازداشت	توقیف	نیرو، توان	قوه
وگرنه	در غیر اینصورت	پهلویی	جانبی	نوشت افزار	لوازم التحریر
کم و بیش، نزدیک به	تقریبا	کیفری	جزایی	سه گوش	مثلث
شکیبا	صبر	هزینه	خرج	چهارگوش	مربع
پیشگاه	محضر	تیره	طایفه	ناپدید	مفقود الاثر
خود باوری	اعتماد به نفس	دادرس	قاضی	ملوان	ملاح
واژه به واژه	تحت اللفظی	پیاپی	متوالی	واپس گرایی	ارتجاع

دسته ی هفتم

پارسی	تازی	پارسی	تازی	پارسی	تازی
تاب آورد	تحمل کرد	پروانه	مجوز	خوشنود	راضی
بازرگانان	تجار	جگر	کید	خوشنودی	رضایت
لیخند	تبسم	آفرین انگیز	تحسین برانگیز	خرده گیری	انتقاد کردن
بازرگانی	تجارت	راه دسترسی	جاده مواصلاتی	رفت و آمد	ایاب و ذهاب
بازرگان	تاجر	تندرو، تیزرو	سریع السیر	کنس (kenes)	خسپس
افسوس	تاسف	هموارسازی	تسطیح	باربر، بارکش	حمال
پیشباز (پیشواز)	استقبال	ستمکار	جبار	افسانه	اسطوره
بازخواست	استیضاح	تن	بدن	داستان	قصه
راز	سر(ser)	ناروا	حرام	ماهواره	قمر مصنوعی
رازها	اسرار	هم آورد	حریف	لختگی خون	انعقاد خون
هر چه زودتر	در اسرع وقت	اندوه	حزن	دین شناسی	فقه
برده، دستگیر	اسیر	نگهداری	حفاظت	دین شناس	فقیه

اطربش	اتربش	حفره	سوراخ	اشراف	بزرگان، بزرگواران
غلطیدن	غلطیدن	حقیر	کوچک	اصحاب	یاران
طوس	توس (نام شهر)	حقیر شد	کوچک شد	اصل	ریشه، بن، بیخ
جریمه	تاوان	حقیقت	راستی، درستی	اطراف	گوشه‌ها، کناره‌ها
عصیان	سرکشی	حمله	ناخت، یورش	اعتدال	میان‌ه روی
اصطلاحات	واژگان	حوالی	گرداگرد، نزدیکی‌ها	اعراب (عرب‌ها)	نازیان
پاراگراف (لاتین)	بند	حیوان	جانور، جاندار	اعلام کردن	آگاه کردن
عصر فن آوری	زمانه فن آوری	خراج	باز (باج)	اعتشاش	آشفستگی
مبتدی	تازه کار	خیاط	جامه دوز	اغلب	بیشتر
انفجار	پکیدن، پکش (pokesh) در اصفهان می‌گویند	حکایت	سرگذشت یا داستان	بسط دادن قدری مطلب را بسط دهید	باز کردن اندکی سخن را باز کنید
الحاق	پیوست	تصحیح کردن	درست کردن	انبیاء	پیامبران، پیغمبران
معاملات	داد و سندها	اقصی نقاط کشور	دورترین جاهای کشور	امرتان چیست؟	فرمایشتان چیست؟
تبعه ایران	شهروند ایران	بشارت دادن	مزده دادن	ثروت	دارایی
تابعیت ایران	شهروندی ایران	بزاق	آب دهان	تظاهر	خودنمایی
طرفین	هر دو سو	بذر، بذر پاشیدن	تخم، تخم پاشیدن	سلسله جبال	رشته کوه‌ها
مادامی که	تا هنگامی که	بخیل	چشم تنگ	اقامت	ماندن
نامبارک	ناخجسته	اوپاش	ناکس	افتضاح	رسوایی
نامیمون	ناخجسته	انجماد	یخ زدن	افتتاح	گشایش

دسته ی هشتم

پارسی	تازی	پارسی	تازی	پارسی	تازی
ضرب المثل	زبانزد	تقاضا	درخواست	بشاش	خندان
تظاهرات	راهپیمایی	تفویض	سپردن	برکه	آبگیر
با تشکر (به ویژه در نامه های اداری)	با سپاس	باطل آن را باطل کردم	نادرست آن را تباه کردم	باکره (بانوان)	دوشیزه
متشکر	سپاسگزارم	تفکیک	جداسازی	برودت	سرما
خارج	بیرون	تقدیم کردن	پیش کش کردن	فاسد	تباه
خارج از کشور	بیرون از کشور	تقرب	نزدیکی	بدعت	نوآوری
داخل کشور	درون کشور	تقوی	پرهیزگاری، پرهیز	بارز	آشکار، پدیدار
خارجی	بیگانه	با تقوی	پرهیزگار	ایام	روزها
زبان خارجی	زبان بیگانه	تکذیب کردن	دروغ شمردن	ایالت	استان فرمانروایی
ابتلاء	دجاری	تمول	توانگری	اهالی بوشهر	مردمان بوشهر
به موازات	همراستا	متمول	توانگر	نوع	گونه
تغییرات	دگرگونی	تملق	چاپلوسی	انواع	گونه‌ها
تغییر کرد	دگرگون شد	تمرد	سرکشی	خوفناک	ترسناک
محل اکتشاف	یافتگاه	تمثال	پیکر، تندیس	خوف	ترس
مشاهیر	نام آوران	تقلب	دغلی	خوف برداشتن	ترسیدن
به لحاظ به لحاظ فرهنگی	از دید از دید فرهنگی	خلیفه اخلاف	جانشین جانشینان	نوع یک نوع دیگر	گونه، جور یک جور دیگر
حسابگر	دوراندیش	تردید	دودلی	مهلک	کشنده
مناره	گلدسته	تدوین	گردآوری	اعتدال	میان‌ه روی
دفتر خاطرات	دفتر یادبود	محکم	استوار	امر	فرمایش
جغرافیا	گیتاشناسی	خطاط	خوشنویس	نمک طعام	نمک خوراکی
استرداد	واپس داد	خطاطی	خوشنویسی	اضمحلال	نابودی
توریسم (اروپایی)	گردشگری	خضوع	فروتنی، افتادگی	اشعار	سروده‌ها
توریست (اروپایی)	گردشگر	خصومت	دشمنی	استیلا	چیرگی
دموکراسی (اروپایی)	مردم سالاری	اسلاف	پیشینیان، گذشتگان	استشمام	بو کردن، بویدن

کنگره (اروپایی)	همایش	خصوصیت	ویژگی	استیضاح	بازخواست
واکمن (انگلیسی)	پخش همراه	اریکه فرمانروایی	تخت تخت فرمانروایی	اخوت	برادری
تامل	درنگ	خسوف	ماه گرفتگی	استهزا	ریشخند
جذاب	گیرا	کسوف	خورشید گرفتگی	خالق	آفریننده
پرنس (اروپایی)	شاهزاده	خزانه	گنجینه	خباثت	پلیدی، ناپاکی
پرنسس (اروپایی)	شاهدخت	خدشه	خراش	خبیث	پلید، ناپاک

دسته ی نهم

تازی	پارسی	تازی	پارسی	تازی	پارسی
خلقت	آفرینش	شطرنج	چترنگ	مذکر	نر
موافقم	هم داستام	وفات	مرگ، درگذشت	مونث	ماده
ماوراء الطبیعه	فرا سپهر	فوت شد	درگذشت	مقداری	اندکی، چندی
تواتر	بسامد	تهدید	ترسانیدن	تعدادی	شماری، چندی
شخصیت	منش	تعجیل	شتاب کردن	غیرممکن	نشدنی، ناشدنی
تشریفات	آیین ها	کارخانجات	کارخانه ها	مصلی	نمازخانه
مشتمل بر...	دربردارنده...	سبزیجات	سبزی ها	ازدواج	زناشویی
واصله	رسیده، دریافتی	حق الزحمه	دستمزد	احتیاج	نیاز
مقتولان	جان باختگان	اجرت	دستمزد	مرکز تحقیقات	پژوهشگاه
نبض	تپش	میادین	میدان ها	مقدور	شدنی
منطقه آزاد	آزادگاه	فرامین	فرمان ها	تردد	آمد و شد
مناطق آزاد	آزادگاه ها	قطع درختان	بریدن درختان	منقل	آتشدان
منطقه آزاد تجاری	آزادگاه بازرگانی	قابل انجام	شدنی	معروف	سرشناس
اعتبارنامه (سیاسی)	استوارنامه	قابل مطالعه نیست	خواندنی نیست	مانع کار چیست؟ مانع راه چیست؟	گیر کار چیست؟ راهبند چیست؟
آلت قتاله	کشت افزار	هم وطن	هم میهن	مثمر ثمر واقع شد	به کار آمد
استراتژی (اروپایی)	راهبرد	منزل	خانه	محروم	بی بهره
استراتژیک (اروپایی)	راهبردی	متعجب شد	شگفت زده شد	ایده آلیست (فرانسوی)	آرمان گرا
بین المللی	جهانی، فرا مرزی	تعجب	شگفتی	ایده آل (فرانسوی)	آرمانی
سوق الجیشی	راهبردی	باقیمانده	مانده	تصادف	برخورد
عصاره	افشره (afshore)	تفریق	کاهش	وحشت کردن	ترسیدن، هراسیدن
توضیح	روشنگری	تقسیم	بخش	نفیس	گران مایه، باارزش
وجود	هستی	زاویه	گوشه	مستفیض	بهره مند
تجهیزات	ساز و برگ	سه ضربدر چهار	سه در چهار	منشاء	سرآغاز
مامور	کارگزار	غیر قابل قسمت	بخش ناپذیر	غلبه کردن	چیره شدن
کنتور (اروپایی)	شمارنده	قابل قسمت	بخش پذیر	غالب مردم	بیشتر مردم
بلا تکلیفی	بی برنامهگی	قابلیت قسمت	بخش پذیری	علی ای حال	به هر روی
بلا تکلیف	بی برنامه	اخاذی	زور گیری	صف	رسته
فی المثل	برای نمونه	بالاجبار	به ناچار	شکر گذاری	سپاس گذاری
ماساژ (فرانسوی)	مشت و مال	حماسی	پهلوانی	سقوط	سرنگونی
معاصر	امروزین، امروزی	در صورتی که	چنانچه	رویت	دیدن، دید

دسته ی دهم

تازی	پارسی	تازی	پارسی	تازی	پارسی
منتخب	برگزیده	رفراندم (اروپایی)	همه پرسی	لازم نیست	نیاز نیست
طرز، طرز پوشش	شیوه، شیوه پوشش	ساده لوح	ساده نگر، ساده اندیش	عازم شدن	روانه شدن رهسپار شدن
منتظر	چشم براه	فحاشی	ناسزاگویی	وراجی	پرگویی

نگارخانه	گالری (اروپایی)	خواری	ذلت	نماینده مجلس	وکیل مجلس
ناشنا	صبحانه	نهفته، خفته	بالقوه	تبهکار	خلافکار
چگال	غلیظ	توان نهفته	قدرت بالقوه	پر شمارگان	کثیر الانتشار
روی هم رفته	در مجموع	سر برافراشتن	قد علم کردن	نوبن، امروزین	مدرن (اروپایی)
روی هم رفته	من حیث المجموع	شتابزده	عجولانه	رخنه کردن	رسوخ کردن
نوشتار	مقاله	چیره دست	ماهر	دلنشین، دلپذیر	مطبوع
گرانکش	جرثقیل	چیره دست	حرفه ای	گسترده	مفصل
رهنورد، رهسپار	مسافر	بازنگری	تجدید نظر	پیام آور	منادی
بسندگی کردن	قناعت کردن	در پایان	در نهایت	کلفت، ستبر	ضخیم
دستک، دفتر و دستک	سند	شتاب شتاب کن	عجله عجله کن	همه همه دوستان	کل کل دوستان
ایرانی تبار	ایرانی الاصل	پالایش	تصفیه	کلان پیکر	عظیم الجثه
تبریزی تبار	تبریزی الاصل	گردهمایی	تجمع	ریسمان	طناب
هم سود	مشترک المنافع	خونریز	سفاک	گیتی، جهان	دنیا
ناشناس	مجهول الهوية	بردبار، شکبیا	صبور	زیان	ضرر
به ویژه	بالاخص	کهن، باستانی	قدیمی	سود، هوده	منفعت
در دم	فی الفور	پیمان نامه	عهدنامه	پخش	توزیع
بی فرزند	مقطوع النسل	گودی، ژرفا	عمق	زایش	تولد
زین پس	من بعد	خرد	شعور	زادروز	روز تولد
یکزبان، همزبان	متفق القول	گوژ	قوز	میانه	متوسط
سرانجام	آخر الامر	به هر روی	به هر صورت	انگ	تهمت
چشمگیر	زاید الوصف	پایکوبی	رقص	کاخ	قصر
پژوهانه	حق التحقيق	دیگر	سایر	روادید	صلاحید
آموزانه	حق التدریس	پیروز باشید	موفق باشید	پیکار	مسابقه
دستمزد	حق الزحمه	گزارشگر	خبرنگار	گلابه	شکایت
زادگاه	محل تولد	همبستگی	وحدت	سر راست	مستقیم
پیشنماز	امام جماعت	همکاری	مشارکت	همچنین	در ضمن
به خودی خود	فی نفسه	پیشنهاد	توصیه	فراخور	مناسبت

دسته ی یازدهم

پارسی	تاری	پارسی	تاری	پارسی	تاری
پیروی کردن	تبعیت کردن	به روی چشم	اطاعت می شود	سده	قرن
پرورش	تربیت	آگهی	اعلان	سده های میانی	قرون وسطی
پرورش دادن	تربیت کردن	سربلندی	افتخار	میان سده ای	قرون وسطایی
گمان کردن پنداشتن	تصور کردن	زیاده روی	افراط	تک سالاری	استبداد
آزمودن، آزمایش کردن	امتحان کردن	سر به نیست کردن	اعدام کردن	مردم سالاری	دموکراسی (اروپایی)
دلگرمی	تشویق	دریغا	افسوس	برداشت	استحصال
آموزش	تعلیم	بخت	اقبال	شنود	استراق سمع
گردشگاه	تفرجگاه	بخت	شانس(فرانسوی)	دیداری شنیداری	سمعی بصری
نکوهش سرزنش	توبیخ	راستا	امتداد	گفتمان	بحث و تبادل نظر
به امید خدا	توکل به خدا	به امید خدا	انشاء الله	سنگربندی ها	استحکامات
دوم	ثانیا	تلافی	انتقام	میان رودان	بین النهرین
سنگین	ثقیل	پیشکش کردن	اهدا کردن	فرا رود	ماوراء النهر
سوم	ثالثا	پدید آوردن	ایجاد کردن	به کارگیری	استفاده از
کشش	جاذبه	دست نخورده	بکر	همیشگی	ابدیت
دلنشین دلچسب	جالب	سرانجام	بالاخره	شاید، چه بسا	احتمالا
کشمکش	جدال	دریا	بحر	فراخواندن	احضار کردن

آخر	پایان	بحر خزر	دریای مازندران	جزء به جزء	مو به مو
اخذ	دریافت	بذله گو	شوخ	جلال و جبروت	فر و شکوه
اراضی	زمین ها	برقرار	پایدار، استوار	جهنم	دوزخ
ارزاق	خواروبار	مملکت	کشور	حفظ کردن(نوشته)	از بر کردن
ارشد	بزرگتر	به اتفاق	همراه	حرارت	گرما
آسانسور(اروپایی)	بالابر	به کرات	بارها	حرکت	جنبش
اسبق	پیشین	به وجود آوردن	پدید آوردن	حرکت کن	بجنب
استراحت کردن	آسودن درازکشیدن	بی نظیر	بی همتا، بی مانند	تاسیس کردن	پایه گذاری کردن
راحت	آسان	بیان کردن	برشمردن	حرم سرا	پرده سرا
استشهاد	گواهی	بی خبر	سرزده	حسود	چشم تنگ
استعفا	کناره گیری	تاثیر آور	دلخراش	حساس	دلنازک
اسهال	شکم روش	تالم	دردناک	حصار	دیوار
اشرار	آشوبگران	تجزیه و تحلیل	موشکافی	حکم	دستور
اصرار	پافشاری	تخصص داشتن	سررشته داشتن کاردان بودن	حول و حوش	دور و بر

دسته ی دوازدهم

تازی	پارسی	تازی	پارسی	تازی	پارسی
حکیمیت	داوری	شبیبه	مانند، همانند	عیال	همسر
حیثیت	آبرو	شباهت	همانندی، همانندگی	متفرق کردن	پراکنده کردن، پراکندن
خاطرخواه	دلباخته	شرف یاب شدن	بار یافتن	عیب	بدی
خرابی	ویرانی	شروع کردن	آغاز کردن	غارت	چپاول
خطی	دست نویس	شفا	درمان، بهبود	غذا	خوراکی
خیر مقدم	خوش آمد	شیطان	اهربمن	غلات	جو و گندم
دائم	همیشه، همش	صحرا	بیابان، دشت و دمن	غلام	برده
در حال رشد	رو به پیشرفت	صرفنظر کردن	چشم پوشی کردن	غیر قابل عفو	نابخشودنی
دستورالعمل	دستور کار	صورت	چهره	مدینه فاضله	آرمانشهر
دعوی کرد	کتک کاری کرد	صیاد	شکارچی یا ماهیگیر	متفکر، متفکران	اندیشمند، اندیشمندان
ذخیره	اندوخته	ضعیف	ناتوان، لاغر	لایتناهی	بی پایان
ذکور	مردها	طالع	بخت	فحش	ناسزا، دشنام
ذیل	زیر، پایین	طاقت	توان، تاب، نا	فوقانی	بالایی
ذکر کردن	یادکردن	طیور	پرندهگان	قابله	ماما
مذکور	یادشده	عافل	خردمند	قاتل	آدمکش
رقابت	چشم و همچشمی	عبادت	پرستش	قادر	توانا
زاهد	پارسا	عجز	درماندگی	قدما	پیشینیان
زحمت	دردسر	ناموفق	ناکام	قسی القلب	سنگدل
زوج	جفت	عدم موفقیت	ناکامی	قطعه	تکه
سابقه	پیشینه	عرض حال	دادخواست	قیم	سرپرست
سالم	تندرست	عزا	سوگ	قیومیت	سرپرستی
سد امیرکبیر	بند امیرکبیر	عطف	بازگشت	کدورت	دلگیری
سریع	تند	عقاید	باورها	کم نظیر	کم مانند
سلطان	پادشاه	با عقاید مختلف	با باورهای گوناگون	کسرکردن	کاستن
سلاطین	پادشاهان	عقیده	باور	لاابالی	بی بندوبار
سواحل دریای خزر	کناره های دریای مازندران	بیوگرافی (فرانسوی)	زندگینامه، سرگذشت	مایوس	دلسرد
سیاح	گردشگر	عمامه	دستار	لااقل	دست کم
ظلمات	تاریکی	عمله	کارگر	لایق	شایسته
ظهر	نیمروز	عودت دادن	پس فرستادن	ماء شعیر	آبجو
عاجز	درمانده	عوض کردن	جایجا کردن	ماضی	گذشته

دسته ی سیزدهم

پارسی	تازی	پارسی	تازی	پارسی	تازی
بی باک، دلیر	جسور	چاه کن	مقنی	نویسنده	مولف
تنه	جته	پیوستن	ملحق شدن	ناامیدی	یأس
بردیاری	تحمل	پر، لبریز	مملو	گفت و شنود	مباحثه
مایه نگرانی شد	موجب نگرانی شد	سامانه ی خورشیدی	منظومه شمسی	بدبختانه شوربختانه	متاسفانه
شیوایی	بلاغت	پاک	منزه	رایگان	مجانی
بنیاد	بنیان	لغزش	انحراف	ناچار	مجبور
یارا	جرات	زیرش زد	منکر شد	زندان	محبس
گرایش	تمایل	برابری	موازنه	رازدار	محرم
دشنه	خنجر	برابری نیروها	موازنه قدرت	فرآورده	محصول
خرده	ذره	پشیمان	نادم	خبرنگار، خبرسان	مخبر
یک خرده	یک ذره	پشیمانی	ندامت	ناچیز	مختصر
مرزها	سرحدات	بهره پول	نزول پول	پنهان، نهان	مخفی
آسان	سهل	کشمکش	نزاع	پنهانی	مخفیانه
پیدایش	ظهور	شادی	نشاط	نهانگاه	مخفیگاه
شگفت	عجب	پاکیزگی	نظافت	پادرمیانی	مداخله
آشکار، هویدا	عیان	سود	نفع	به خاک سپردن	مدفون کردن
آشوب	فتنه	سود ویژه	نفع خالص	خاکسپاری	کفن و دفن
کاروان	قافله	سخنران	واعظ	الگو	مدل (اروپایی)
ریخت	قیافه	مادر	والده	بسته پستی	مرسوله پستی
فرنام	لقب	استاندار	والی	خاورشناس	مستشرق
آراسته	مزین	سپرده	ودیعہ	شنوندگان	مستمعین
نامبرده	مشارالیه	پشتوانه	وثیقه	خنده دار است	مسخره است
رنج	مشقت	میانجیگری، میانجی	وساطت	تنگنا	مضيقه
ناسپاسی	ناشکری	میانجیگری کردن	وساطت کردن	آگاه	مطلع
بیچاره، درمانده، بدبخت	مفلوک	گم شده ناپدید شده	مفقود شده	خودداری نمی کنم فرو گزاری نمی کنم	مضایقه نمی کنم
چرند	هدیان	رگ	ورید	باورها	معتقدات
جانشین	ولیعهد	بازماندگان	وراث	باورها	اعتقادات
رودها	انهار	چه جوری؟	چه طوری؟	خودخواه، خودپسند	مغرور
سرزنش، سرکوفت	ملامت	سرکش	یاغی (ترکی)	آمرزش	مغفرت
پی در پی	متواتر	همان جور	همان طور	پیشگفتار	مقدمه

دسته ی چهاردهم

پارسی	تازی	پارسی	تازی	پارسی	تازی
نماد	سمبل(اروپایی)	سرنویس	عنوان	کوتاهی	قصور
نمادین	سمبلیک(اروپایی)	بخردانه	معقول	پیروان	طرفداران
گواه	شاهد	آفریده	مخلوق	خدا بیامزدش	خدا رحمتش کند
مکنده	پمپ (فرانسوی)	فرآیند	پروسه (فرانسوی)	پاکیزه نگه دارید	نظافت را رعایت کنید
بی همتا	منحصر به فرد	تراوش	ترشح	شناسه	مشخصه
خواهشمندم خواهشمند است	لطفا	دستمزد، کارانه	حقوق(پول دریافتی)	دستور زبان	گرامر زبان (انگلیسی)
پیشوا	امام	گاهنامه	نشریه ادواری	گندزدایی	ضدعفونی کردن
پیشنماز	امام جماعت	هفته نامه	نشریه هفتگی	چهره پردازی	گریم (اروپایی)
ندانسته	سہواً	چیرگی	سلطه	چهره پرداز	گریمر (اروپایی)
ندانسته	اشتباهاً	دلخواه	مد نظر	دانش اندوزی	کسب علم

ناگوار	وخیم	پهنه	عرصه	واژه بازی	لفظی
کنشیار	کانالیزور(اروپایی)	چند و چون	کم و کیف	سوداگر	کاسب
وابستگی	تعلق خاطر	هنگامه	بحیحه	سوداگری	کسب و کار
گنجه	کابینت (فرانسه)	سریسته	تلویحا	سناد	مقر
بزم	ضیافت	باجه	گیشه (فرانسوی)	سناد سپاه	مقر سپاه
همباوری	اعتماد متقابل	تیمچه	پاساژ (فرانسوی)	بازدارندگی	ممانعت
پردامنه	مُفصل	چشم بندی	شعبده بازی	بنیانگزار	موسس
بندگاه	مَفصل	برچیده شد	منحل شد	آرامش	طمأنینه
آبگون	مایع	برچیدن	منحل کردن	پیمودن	طی کردن
گوش ماهی	صدف	دانش آموخته	فارغ التحصیل	نیک فرجام	عاقبت به خیر
بختک	کابوس	استاد، آموزگار	مدرس	خوشگذرانی	عیش و نوش
گردآورد	مجموعه	شهبانو	ملکه	اندوه بار	تاسف بار
شگرد	تکنیک (اروپایی)	همگنی	تجانس	پافشاری	تاکید
خرک	جک (خودرو)	آزمودن	تجربه کردن	پافشاری کرد	تاکید کرد
خرخره	حلقوم	دانش نوآوری	علم بدیع	روزی	معاش
فراگیر	جامع	بر او شورید	علیه او شورید	آبخست (abxast)	جزیره
چرا رنجه فرمودید؟	چرا زحمت کشیدید؟	کلاه از من است، کلاه من است.	کلاه مال من است	در میان گذاشتن	مطرح کردن
سزاوارتان نیست	قابل شما را ندارد	بی قواره	نا متناسب	خوارداشت	تحقیر
خاستگاه	مبدأ	بریدن	قطع کردن	وارونه	برعکس
رسید، رسید انبار	قبض، قبض انبار	جدا از اینکه	به غیر از اینکه	روانداز	لحاف

دسته ی پانزدهم

پارسی	تازی	پارسی	تازی	پارسی	تازی
به گستردگی	به تفصیل	دگرگونی ها	تغییرات	زنان	نسوان
پابند	متعهد	دیدار کرد	ملاقات کرد	لیک، ولی	اما
ناخشنودی	ناراضیتی	فرماندار کنونی...	فرماندار فعلی...	تنها	فقط
پیوست	ضمیمه	شگفت زده	متعجب	به هر روی	به هر حال
گذرواژه	کلمه عبور	به تازگی	اخیرا	کار آزموده	متخصص
خودکار	اتوماتیک(اروپایی)	شیوه	طریقه	دوستی	رفاقت
روزنامه ها	جراید	پشتیبان	حامی	دوباره	مجدد
از این رو	به همین خاطر	در برابر...	در مقابل...	اینگونه، این جور	این طور
بر دوش	بر عهده	گروهی	جمعی	جدا	منفک
به راستی	واقعاً	پیشتر	قبلاً	نشستن	جلوس کردن
بدین گونه	به این ترتیب	کرایه ای	استیجاری	اکنون که...	حال که...
آشکار شد	علنی شد	نخست آنکه	اولا آنکه	آسایش	فراغت
برپایی	ایجاد	دوم اینکه	دوماً	کارآفرینی	ایجاد اشتغال
به گونه	به نحو	هیچگونه	هیچ وجه	دیگران	سایرین
شگفت انگیز	حیرت انگیز	پی در پی	مرتباً	آسانی	سهولت
آگهی پس از این	اطلاع ثانوی	در پایان	در آخر	از این روش	از این طریق
بی گمان	بی تردید	بیشتر	اکثراً	همانند آسمان	مثل آسمان
به راستی	فی الواقع	به گونه ای	به نحوی	غم	غصه
به راستی	در واقع	پیشین	قبلی	پیشین	سابق
دلخواه	مطلوب	فراوان	وفور	از آن...	متعلق به...
مردم فریبانه	عوام فریبانه	فراوانی	به وفور	درباره	در خصوص
پنداشتن	فرض کردن	افزون بر آن	علاوه بر	از میان رفته	ضایع شده
بازایستاد	متوقف شد	سرتاسر جهان	اقصی نقاط جهان	گسترش	شیوع
برنمی تابد	تحمل نمی کند	سرتاسر جهان	اقصی نقاط دنیا	از سوی دیگر	از طرف دیگر

طبق گزارش... ضمن آنکه ...میسر است حوزه خلیج فارس خلیج فارس	بر اساس گزارش... افزون بر آنکه ...شدنی است گرداگرد خلیج فارس کنداب پارس	از طریق جمع آوری قریب الوقوع خانم (ترکی مغولی)	از راه گردآوری زود هنگام بانو	قوی ما فوق نهایتا توأم	نیرومند فراتر از سرانجام همراه
برخی مواقع بعضی مواقع	گاهی گاهی	در این خصوص مشکل است	در این باره سخت است	مسلماً بسط	بی گمان گسترش

دسته ی شانزدهم

تاری	پارسی	تاری	پارسی	تاری	پارسی
فاصله گرفتن	دور شدن	جواز	پروانه	توسط	بدست
اجتناب ناپذیر	پیشگیری ناپذیر	سنه	سال	به وسیله	بدست
محتاج	نیازمند	واقعی	راستین	به واقع	به راستی
مترقی	پیشرفته	باطنی، خواست باطنی	درونی، خواست درونی	به همین دلیل	از این روی
ترقی	پیشرفت	بی انتها	بی پایان	چطور	چگونه
بر مینای	بر اساس	حیطه	گستره	قفسه	گنجه
صلاحیت	شایستگی	فقدان	نبود	کاندیدا (اروپایی)	نامزد
راسخ	استوار	قلمرو	گستره	تا حدی	تا اندازه ای
ملت ایران	مردم ایران	دستور قتل	دستور کشتن	نقیصه	کاستی
مادام العمر	همیشگی	حدود، حدود 2 فرسخ	نزدیک، نزدیک 2 فرسخ	عالمگیر	جهانگیر
در حقیقت	به راستی	مشترک المنافع	هم سود	تمامیت ارضی	یکپارچگی کشوری
متلاشی	فروریخته	اتباع	شهروندان	افرادی که	کسانی که
مسیر	راه	مقوی	نیرویبخش	آنوقت	آنگاه
مسلط	چیره	سوء رفتار	بدرفتاری	مترجم	برگرداننده
قضا و قدر	سرنوشت	مجمع	گردهمایی	از این قبیل...	از این دست...
میدا	آغاز	تحقیقاتی	پژوهشی	تخریب	ویرانی
اجتناب	دوری	متشکل از	در بر گیرنده	مخرب	ویرانگر
ناراضی	ناخشنود	شامل	در بر گیرنده	در باب	درباره
راه حل	راهکار	در کل	روی هم رفته	اصیل	ریشه دار
تسلط	چیرگی	بیان کردن	بازگو کردن	قابل مهار	مهارشدنی
مرور	بازبینی	در نتیجه	برآیند اینکه	قابل کنترل	مهارشدنی
آزمایشات	آزمایش ها	معضل	کاستی، دشواری	بشر	آدمی
متنوع	گوناگون	علیرغم	با آنکه	مستتر	نهان
معرفی	شناسایی	مستقیماً	آشکارا - یک راست	خاطر نشان کرد	یادآوری کرد
امرار معاش	گذران زندگی	تاثیر گذار	کارساز	کنترل (اروپایی)	مهار
جوابگو	پاسخگو	مالکیت	ازانش	در حال حاضر	هم اکنون
جزیی از آن	پاره ای از آن	باعث	مایه	مبتنی بر	بر پایه
مهیا	آماده	از جمله از جمله کارهای نیک	از دسته، از آنگونه از دسته کارهای نیک	متمايز	جدا
فرار از	گریز از	نظارت	بازبینی، بازرسی، واریسی	به عبارتی	به گفته ای
فساد	تباهی	نامطلوب	ناپسند	متحد	همبسته

دسته ی هفدهم

تاری	پارسی	تاری	پارسی	تاری	پارسی
واضح	روشن	وزین	سنگین	متخصصان	کار آزمودگان
جالب توجه	نگریستن	حراست	نگهبانی	در عوض...	در برابر...
نوطنه	نیرنگ	از جانب	از سوی	تشکر	سپاسگزاری
غالبا	بیشتر	نظیر	همانند	تمام شده	پایان یافته

خوشحال	دلشاد	بی نظیر	بی مانند	عبور کردن	گذشتن
نهضت	جنبش	متاثر	دل آزرده	منوط به	وابسته به
جعلی	دروغین	عالی رتبه	والا جایگاه	به هیچ عنوان	به هیچ روی
تداوم دادن	پی گرفتن، ادامه دادن	احیاناً	شاید	احضار کردن	فراخواندن
در قدیم	پیشترها	افراد	کسان	رعب	ترس
عبور و مرور	آمد و شد	افرادی	کسانی	همینطور	همین گونه
انصراف دادن	کناره گیری کردن	قدیم الایام	پیشترها	اکثر قریب اتفاق	بیشتر
تاسیس	راه اندازی	مؤثر	کارساز	قصد دارند	برآند
منازل	خانه ها	اظهار نظر	بازگویی دیدگاه	تحول	دگرگونی
تجمع کنندگان	گرد آمدگان	تداوم	ادامه	کثیف	ناپاک
مشهور	نامی، نامدار، سرشناس	قابل تامل	درنگ کردنی	مبتکرانه	نوآورانه
وطنی	میهنی	و لا غیر	و دیگر هیچ	مبتکر	نوآور
مبحث	جستار	کامپیوتر (اروپایی)	رایانه	ابتکار	نوآوری
موضوع	جستار	ماورای	فرای	مطمئناً	بی گمان
معدودی	شماری	عمومی	همگانی	اکتفا	بسنده
در ارتباط با	درباره	علاقه مند	دوستدار	اکتفا کردن	بسنده کردن
موجب	مایه	داخلی	درونی	وحشیانه	ددمنشانه
موجب سربلندی شد	مایه ی سربلندی شد				
در حال توسعه	رو به پیشرفت	سلاح	جنگ افزار	تحت لوای...	زیر درفش...
عصر باستان	دوره باستان	معاهده	پیمان نامه	مطرود	رانده شده
از اوایل	از آغاز	اظهار کرد	بازگو کرد	طرده شده	رانده شده
تسلیماتی	جنگ افزاری	لاینفک	جدا نشدنی	متولد شده	زاده شده
تلفیقی	آمیزه ای	اضافه کردن	افزودن	حیرت آور	شگفت آور
سوابق	پیشینه	به طور قطع	بی گمان	تعجب آور	شگفتی آور
خلیج	کنداب(Kandaab)	دست آخر	در پایان	مکانیزم (اروپایی)	سازوکار
خلیج فارس	کنداب پارس				
حائز...	دارای...	یقیناً	بی گمان	یک طرفه	یک سویه
غیر قابل دسترس	دست نیافتنی	قابل دسترس	دست یافتنی	غافل از آنکه	ناآگاه از آنکه

دسته ی هژدهم

پارسی	تازی	پارسی	تازی	پارسی	تازی
درنیافتنی	غیر قابل درک	گاهنامه	مجله	پیش بینی می شود	انتظار می رود
باورنکردنی	غیر قابل باور	راه آهن	خط آهن	افزون بر درست شمردن	ضمن تایید
نابخشودنی	غیر قابل بخشش	برونرفت	خروج	درونمایه	محتوی
ناگفتنی	غیر قابل بیان	روی هم رفته	جمعاً	دست زدن	اقدام نمودن
برنتافتنی	غیر قابل تحمل	روی هم رفته	کلاً	بایسته	ضروری
درنیافتنی	غیر قابل فهم	بی اندازه	فوق العاده	در همان سان	در عین حال
سنجش ناپذیر	غیر قابل مقایسه	برآمدن آفتاب	طلوع آفتاب	زمینه، گویه	مقوله
بازجویی	تفتیش	هراسناک، ترسناک	وحشتناک	کمابیش	نسبتاً
اروند رود	شط العرب	گرامی	مکرمه	آن سان که پیداست	ظاهراً
نماهنگ	کلیپ (اروپایی)	گسیل	اعزام	رو کرد	ارائه کرد
نمایه	ایندکس (اروپایی)	دیرینگی	قدمت	نا به سامانی	نامرتبی
بسامد	فرکانس(اروپایی)	تارنگار	ویلاگ (انگلیسی)	نا به سامان	نامرتب
بسامد	تواتر	تارنما	وب سایت (انگلیسی)	نا به سامان	نامنظم
پیمان نامه	تعهدنامه	بزرگداشت	تکریم	نا به سامانی	بی نظمی
خشک نای	حجره	خودرو	اتومبیل (اروپایی)	ریخت و پاش	اسراف
گواهمندی	استناد	زمینه های	موجبات	یارانه	سوسپید (اروپایی)
استر	قاطر	پیوسته	لاینقطع	گروهی	دسته جمعی

سوسمار	تمساح	ریزنگاره	مینیاتور (اروپایی)	وارون	بالعکس
از آن میان...	از آن جمله...	ریزنگاری	مینیاتوری (اروپایی)	دسته بندی	طبقه بندی
پیشی گرفت	سبقت گرفت	بانگ نماز	اذان	بی دادگری	بی عدالتی
پیشترها	سابقاً	جا نماز	سجاده	بی دادگری	نا عدالتی
پیش پرداخت	بیعانه	دستار بند	معمم	باور	یقین
دانسته	عمداً	رستاخیز	معاد	آنگونه	آنطور
رده	ردیف	رستاخیز	محشر	بدین روش	بدین طریق
بد نهاد	بد جنس	چله	اربعین	رخ داد	اتفاق افتاد
وام بی بهره	قرض الحسنه	یکتاپرستی	توحید	رویدادها	وقایع
چگونگی	وضعیت	بالاپوش	عبا	رویدادها	اتفاقات
سزاوار	مستحق	نرمش ناپذیر	غیر قابل انعطاف	پرشماری	عدیده
لغزش	تخطی	انجام ناپذیر	غیر قابل اجرا	کاستی ها	نواقص
پذیرش دانشجو	جذب دانشجو	برگشت ناپذیر	غیر قابل ارجاع	بر پایه	بر اساس

دسته ی نوزدهم

پارسی	تازی	پارسی	تازی	پارسی	تازی
روشنگر نامه	توضیح المسائل	نمونه ها	اقلام	چیرگی	مهارت
دستگرد	تسیبج	نمونه هایی از...	اقلامی از...	هدر دادن	تلف کردن
خونبها	دیه	گسترش	توسعه	یادبود	خاطره
درود فرستادن	صلوات	چندی است	مدتی است	برکناری	عزل
پنج یک	خمس	سر ساعت 9 شب (ساعت= تسو)	راس ساعت 9 شب	ناشایستگی	بی کفایتی
هشت یک	زکات	شایسته	با لیاقت	ناشایستگی	بی لیاقتی
ماه شکافی	شق القمر	جدایی خواه	تجزیه طلب	پیروان	حامیان
باورمند	مومن	خاکسپاری	دفن کردن	کارگزاران، دست اندر کاران	مسوولان
در آینده	بعدها	نیمروز	جنوب	هم اینک	فعلاً
دشواری ها	مشکلات	نیمروز	ظهر	درخواست کننده	متقاضی
دگرگونی ها	تحولات	پایانه	ترمینال (اروپایی)	پدیدار شدن	ظاهر شدن
کاردان، کارشناس	صاحبنظر	رهایی	نجات	برای	به منظور
دامنه، پهنه	حوزه	سامان	نظم	بازرگانی	تجاری
داوران، دادگران	قضات	برداشت	استنباط	سنگدل	بی رحم
مردم سالارانه	دموکراتیک (اروپایی)	لت و کوپ	ضرب و شتم	سپاسگزاری	قدردانی
خود سالاری	استقلال	تیره ها	قبایل	تودگانه	عامیانه
پذیرا شدن	تقبل کردن	کاریز	قنات	بی ارزش	بی اعتبار
همایه	ائتلاف	کاریزها	قنوات	سپاس	مرسی (فرانسوی)
رفت و آمد	معاشرت	فرآوری	تولید	زشت	قبیح
گاهی	ندرتاً	سرنگون	ساقط	دیرینگی	قدمت
سخن نادرست	حرف بی ربط	بخردانه	منطقی	داد گرانه	عادلانه
سخن گفتن	حرف زدن	پیشینگی	تقدم	پیروزمند	فاتح
جامه پوشیدن	لباس پوشیدن	نخستینگی	اولویت	بی گمان	بی تردید
شوخی	مزاح	پند	عبرت	بی تاب	بی قرار
کشتارگاه	مسلخ	دورنگار	فکس(اروپایی)	بی تابی	بی قراری
آماس	ورم	شگفت انگیز	اعجاب انگیز	ناشکیبا	بی صبر
مشت زنی	بوکس (اروپایی)	بازایستادن	متوقف شدن	ناشکیبایی	بی صبری
داد گرانه	منصفانه	روا داری	تسامح	ناآگاه	بی خبر
جهانرها	تارک دنیا	گرایش ها	تمایلات	ناآگاهی	بی خبری
بارانداز	اسکله (ایتالیایی)	سده ها	قرون	بی جان	بی روح

دسته ی بیستم

پارسی	تازی	پارسی	تازی	پارسی	تازی
گمان	خیال	هم اندیشان	همفکران	نورتاب	آبژور (فرانسوی)
بی شرمی	وقاحت	هنگامیکه	وقتی که	ایوان	بالکن (اروپایی)
زمان زمان دیدار با...	موعد موعد ملاقات با..	آغاز از آغاز پیدایش...	بدو از بدو پیدایش...	ایوان	تراس (اروپایی)
دست درازی	تجاوز	مردم فریب	عوام فریب	کالا برگ	کوپن (اروپایی)
تندتر	سرعیتر	کم کم	به تدریج	برگ خرید	فاکتور خرید (اروپایی)
ادامه	استمرار	کم کم	تدریجا	پیکان	فلش (اروپایی)
بی شرم	وقیح	به نادرست پنداشت که...	به غلط پنداشت که ...	پالابه	فیلتر (اروپایی)
دست اندر کاران	متولیان	بزرگ	عمده	دمابان	فلاسک (اروپایی)
دست اندر کار	متولی	لرزان	متزلزل	خود پرداخت	فرانشیز (اروپایی)
شگفت زده	حیرت زده	میانه ها	اواسط	سرسرا	هال (انگلیسی)
به دنبال	متعاقب	همگی	کلیت	برگه	فیش (اروپایی)
فرخنده	مبارک	کارایی	تاثیر	دیوارک	پارتیشن (انگلیسی)
هیچ کسی هیچ کسی نباید...	احدی احدی نباید...	نشست‌ها	جلسات	نورافکن	پروژکتور (فرانسوی)
جلوه نمایی	عرض اندام	زندگی وی در راه.	عمر وی در راه...	هم اندیشی	سمینار (فرانسوی)
نهادن	قرار دادن	پیامدها	تبعات	آبشویه	سیفون (فرانسوی)
نوشته ها	نوشتهجات	خواسته ها	مطالبات	سراچه	سوئیت (اروپایی)
پدر	والد	شرم آور	خجالت آور	خوشمزه	لذیذ
پیشنهاد کردن	ارائه طریق کردن	آگاهی	استحضار	نویافته	مکشوفه
سبزیانه	سالاد (فرانسوی)	واژه	لغت	پیکاوی	تفحص
افسوس که...	حیف که...	درونمایه	محتویات	ساخت‌مایه‌ها	مصالح ساختمانی
دردسر دادن	مزاحم شدن	کشتار	قتل عام	چرخشگاه	نقطه عطف
ناسازگار	ضد و نقیض	خودکامه	مستبد	برشگاه	تقاطع
فراخواندن	دعوت کردن	خودکامگان	مستبدان	خودروگاه	پارکینگ (انگلیسی)
فراخوانه	دعوت نامه	بایستگی	ضرورت	سنجیده	حساب شده
شور	شوق	زیر فشار	تحت فشار	ابزارها	لوازم
گذرا، زودگذر	موقت	گستره	وسعت	پسمان ها	ضایعات
شایستگی، سزاواری	استحقاق	در این باره	در این ارتباط	گیرایی، گیرایش	جذابیت
آسانگیری	ارفاق	یک چهارم	یک ربع	پذیرفتنی	موجه
پرشکوه، پررنا	مجلل	فرزند	مولود	بنابراین	فلذا
پریشان	مضطرب	چشمداشت	توقع	پس دادن	عودت دادن